



آئین میترا (مهر)

آسموسن
ترجمه کیکاوس جهانداری



میترا (در هندی: میتره، در ایرانی: میتره) که به عنوان مرکز و محور آئینی با اهمیت خاص در محدوده امپراتوری رومی چندین قرن تمام رقیبی سرسخت برای مسیحیت شمرده می شد، یکی از خدایان مشترک هندی و ایرانی است که از آنها قدیمترین شاهد مطمئن تاریخی در دست است، زیرا از او و ورونه (Varuna) و ایندره (Indra) و هردو ناستیه (Nasatya)، خدایان توأم از یک طرف و از خدایان بابلی از طرف دیگر به عنوان ضامن در یک سند ائتلاف متعلق به بایگانی دولتی پادشاهان هیتی که در سال ۱۹۰۶ در بغازکوی در آسیای صغیر کشف شده ذکر می شود به میان رفته است. متن آکدی مربوط است به قرن چهاردهم پیش از میلاد و قراردادی است دولتی بین شوپی لولیوما، شاه بزرگ هیتی و ماتی وازا (یا شاید: کورتی وازا) امیر میتانی که تحت حمایت اوست. اهالی دولت میتانی را خورزها تشکیل می دادند که در بسیاری از جهات درست شناخته نشده اند و در عهد قدیم هم نام آنها ذکر شده است، اما پادشاهان و اعیان آنها که موسوم به مریانو یا مریانی (به معنای جنگاور جوان، پهلوان) بوده اند نامهای هند و ایرانی داشته اند. میزان و حدود اهمیت این قشرهای حاکم را به دقت نمی توان تعیین کرد، به همین ترتیب هم رابطه آنها با مهاجرت بزرگ اقوام روشن نیست. نتیجه این مهاجرت آن بود که ایرانیان و هندیان از یکدیگر جدا شدند و هر یک از آنها سیر خاص تحول زبانی و دینی و فرهنگی خود را مستقلاً دنبال کرد. قدر مسلم آن است که در روزگار پیش از شکل گرفتن دین خاص ایرانیان و هندیان، هندواروپائیان به آئین مهر پای بند بوده اند و این معنی از آنجا حاصل می شود که امرای میتانی به خدایان آئین

میترا متوسل شده‌اند. ذکر میترا (مهر) در متون قدیمی بغازکوی کاملاً و به‌تمام معنی با آنچه ریگ‌ودا و اوستا دربارهٔ وظایف او می‌گویند هماهنگ و مطابق است. در ریگ‌ودا دو‌یست‌بار از میتره (Mitra) نام برده می‌شود و در آن یک سرود کامل به‌وی هدیه شده است (۳/۵۹). او در اینجا پاسدار میثاق (اسم عام اوستائی میثره Mithra به معنی قرارداد و میثاق است) و سوگند است و با کمک جاسوسان و خیرگیران همیشه‌بیدار خود عدم‌تخطی به‌آن‌را با کیفر دادن به‌کسانی که آن‌را می‌شکنند و مزد دادن به‌آنان که از روی وجدان آن‌را نگاه می‌دارند ضمانت می‌کند اما در سایر موارد و به‌خصوص دربارهٔ ویژگیهای عمومی مهر مطالب موجود در اوستا بسیار گویاتر و مفیدتر است از اطلاعات مذکور در منابع هندی، هر چند که نام این خدا در کهنه‌ترین بخشهای اوستا یعنی گاتها که کلام خود زردشت است نیامده است. زردشت با اصلاحی توحیدی که در دین قدیم ایران به‌عمل آورده بود دیگر به‌مهر نیازی نداشت، چه اهوره (Ahura)، خدای وی به‌تنهایی به‌تمام وظایف و تکالیف الهی قیام می‌کرد. از آن گذشته مهر به علت رابطه‌ای که با طبقهٔ جنگاوران و در نتیجه با کشتارهای اعیاد بزرگ قربانی داشت رسوا شده بود. اینکه زندگی می‌توانست از مرگ پدید آید، از نظر زردشت توهم و خیالی باطل به‌شمار می‌رفت که وی به‌برانداختن آن کمر بسته بود اما محبوبیت مهر تا به‌آنجا ریشه داشت که نمی‌شد یک‌باره او را نادیده انگاشت و کنار گذاشت چنانکه در اوستای متأخر سهم مهمی به‌او سپرده شده است، یعنی در یشت دهم که مشتمل بر ۱۴۵ بند و به‌نام اوست از این خدا به‌صورت «زندگی‌بخش» (گیودا، بند ۶۵)، به‌صورت کسی که فرزندان ذکور می‌بخشد و گیاهان را می‌رویاند (بند ۶۱)، و به‌صورت جنگاوری که کیفر می‌دهد و «نیرومند و دانای کل» است (بند ۶۰)، دادرس جهان است، و به‌صورت کسی که رابطهٔ نزدیک با آبهای زندگی‌بخش و خورشید دارد یاد شده است. هر گاه بر حسب کلیهٔ اطلاعات قابل اطمینانی که در دست است داوری کنیم باید بگوئیم که مهر خدای خورشید نیست اما بسیاری از آن مطالبی که در یشت دهم دربارهٔ او گفته شده چنان است که اگر او — در بین ایرانیان هم — به‌خدای خورشید مبدل شده باشد جای شگفت ندارد. نکات زیر شواهد مطمئنی در این مورد به‌شمار می‌رود: خدای خورشید هندوسکائی یعنی Mihira (= میثره = مهر)، معنی خورشید کلمهٔ پارسی مهر (که کلمهٔ دخیلی است به‌همین معنی در فارسی جدید) و Mtra در یکی از لهجه‌های ایرانی شرقی (لهجهٔ یدغا) که هر دو برابر با مهر است و همچنین اینکه مانویان پارسی و سغدی او را با «فرستادهٔ سۆم» برابر دانسته‌اند که در نظر آنان به‌معنای خدای خورشید است. هر گاه ما این نکات را با آنچه مأخذ مکتوب و باستان‌شناسی دربارهٔ میترای رومی گفته‌اند بسنجیم، دیگر کوچکترین تردیدی در کار نخواهد بود که وی علی‌رغم شاخ و برگها و دگرگونیها همان مهر ایرانی است یعنی یک خدای ایرانی به‌عنوان محور و شخصیت اصلی در یک دین غیرایرانی. میترای رومی به‌تمام معنی زندگی‌بخش است و اغلب شخصیتهایی که در نقوش برجسته او را احاطه کرده‌اند به‌صورت آشکار دارای نظایر و قوانین اوستائی هستند (مثلاً Oceanus برابر است با اپام‌نیات [نوادهٔ آبها]، Fortuna برابر است با اشنی و غیره). نام «پارسی»

برای یکی از مراحل تشرف در آئین مهر، ذکر کلمهٔ ایرانی نمه (= تعظیم، درود) در چندین کتیبهٔ معتبر و اصل و این واقعیت که مهر در جلوه‌های منزهٔ دینی با خورشید همان مناسبتی را دارد که مهر اوستائی، دیگر جای شک برای آنچه گفته شد باقی نمی‌گذارد. دعای اتحاف و اهدا که همواره تکرار می‌شود: Deo Soli Invicto Mithrae «به میترا خدای خورشید شکست‌ناپذیر» حاکی از تشخیص هویتی است درجه‌دوّم و احتمالاً «عامیانه» که لاجرم طبیعی و مفهوم نیز هست. این امکان نیز در میان هست که این وجه تسمیه، در عین حال فرصت طلبانه و در مقام معارضة با Deus Sol Invictus باشد که در روزگار الاگابالوس و اورلین، قیصرهای روم در قرن سوم رواج داشته است.^۲ مؤلفین قدیم به‌درستی از «آئینهای رازآمیز ایرانی» سخن به‌میان می‌آورند.^۳

از پایان قرن اول میلادی (به شهادتی که استاتیوس شاعر در تبائیس، ۷۱۷ به‌بعد داده) این آئینها در سراسر پهنهٔ امپراتوری روم گسترده شد و این امر به‌دست سربازان رومی عملی گردید که طبعاً مجذوب مشخصات و صفات اصلی مهر شده بودند. در نتیجه در سراسر طول خطوط دفاعی نظامی و بیش از همه در ایالات شمالی کنار رود دانوب، در سرزمین راین، ناحیهٔ ویلز و بریتانیای شمالی از آئین میترا شواهدی در دست است و تقریباً همهٔ این شواهد منحصرأ در کشفیات باستان‌شناسی به‌دست آمده است. اما از آنچه گفته شد فراتر و مثلاً در افریقا نیز آثار میترائی دیده شده است، هر چند که طبعاً در معابد «غیرنظامی» هم آن آثار موجود است (والبروک در لندن، اوستیا، رم، اسپانیا و غیره). خدائی که از تقدس میثاق و سوگند پاسداری می‌کند ناگزیر بازرگانان را به‌نحو اخصّ و شاید هم به‌همان اندازه مردم عادی را به‌صورت اعم تحت تأثیر و نفوذ مساعد خود قرار داده است.

جزئیات جریان گسترش این آئین بر ما روشن نیست و به‌همان نحو هم از ظهور و سرنوشت بعدی آن در امپراتوری روم چیز زیادی نمی‌دانیم (مثلاً تا کجا آنرا به‌صورت اصلی پذیرفته و چه مقدار آنرا تغییر داده یا تکمیل کرده بودند). علی‌رغم عناصر ایرانی واضح و آشکار موجود در این آئین نمی‌توان آنرا رونوشت بلافصل و بی‌کم و کاست بخشی از یکی از ادیان ایرانی شمرد. آن‌گونه که یادگارهای آثار باستانی و نوشته‌ها گواهند باید گفت که آئین میترا به صراحت تمام تلفیقی است از اجزاء ترکیبی ایرانی، هلنی و بین‌النهرینی که در آسیای صغیر فراهم آمده است. نامهای خدایان بر روی اشخاص و مقدار قابل ملاحظه‌ای از مأخذ موجود در کتیبه‌ها حاکی از آن است که میترا در آخرین قرون قبل از مسیح خصوصاً در آسیای صغیر مورد توجه بوده است مثلاً در پونتوس و کوماگنه (آنتیوخوس اول [۳۴ - ۶۹ پیش از میلاد]، کتیبهٔ نمرود داغ) به‌عنوان خدای نگهدارندهٔ دودمان و در کیلیکیه به‌عنوان خدای محبوب خاص و عام. به گمان پلوتارک (پومپئوس ۲۴) این راهزنان دریائی کیلیکیه بودند که برای نخستین بار آئین میترا را به اروپا بردند. با ضمیمه شدن این مناطق به امپراتوری روم و برقراری خدمت نظام اجباری که با آن ملازمه داشت امکان انتشار آن به‌طور طبیعی در سراسر امپراتوری فراهم آمد. عناصر ایرانی

آن و بیش از همه خود مهر را احتمالاً معتقدین به دین قدیم ایران که به اصلاحات زردشت گردن نگذارده بودند و به عبارت دیگر مذهب او را نپذیرفته بودند با خود به آسیای صغیر آوردند. معمولاً در این مورد اذهان به مجوسان (در آثار باردسانس^۴، باسیلیوس و ایپفانیوس (Magusaio) یا مغان متمایل به فرهنگ هلنی متوجه می شوند. هر چند که چنین ادعائی متکی بر مدارک متقن نیست اما از لحاظ تاریخی می توان برای آن محتملی یافت، چه در کتیبه های هخامنشیان زردشتی مذهب دو مورد دیده می شود که می توان آن را به معنی مهاجرت روحانیون مادی (یعنی ایرانیانی که در اصل زردشتی نبوده اند) گرفت: نخستین بار در روزگار پادشاهی داریوش، هنگامی که غاصب تخت و تاج یعنی گوماتای مغ ساقط شد و روز «مغ کشی»^۵ (نه تنها هروودوت و کتسیاس آن را شهادت داده اند بلکه در یک متن ایرانی [مانوی] نیز ذکر آن هست) تبدیل به یکی از جشنهای رسمی گردید و دومین بار هنگامی که خشایارشا بتخانه^۶ مملکت را ویران ساخت. در این مقام شایسته توجه است که از مهر در کتیبه های بزرگ داریوش و خشایارشا ذکری به میان نیست بلکه تازه از زمان اردشیر دوم (۳۵۹-۴۰۵) است که ما به آن برمی خوریم.

همان طور که خدایان آئین میترا فراوانند، شمایلها و تصاویر آن نیز متنوع و گوناگونند. به موازات خدایان شرقی مانند سراپیس و آتیس تعدادی از خدایان یونانی-رومی وجود دارند (مثلاً کروئوس-ساتورن، ژوپیترا، آپولو، مینروا، هرمس-مرکور، باکوس). محتملاً اینها را به صورت یک جا پذیرفته اند بدون اینکه از وظایف خاص و ارتباط آنها با میترا تصویری داشته باشند. برخی از آنان در دعاها احتاف و اهداء با او برابر دانسته شده اند، مثلاً: D[eo] I[nvicto] M[ithrae] Mercuri[o] بر تندیس از Stockstadt و کتیبه محرابی همچون: Soli Apollini Aniceto Mithrae (Aniceto کلمه ای است یونانی برابر با Invicto لاتینی به معنای «شکست ناپذیر») و دیگران را باید برابرهای غربی خدایانی دانست که به مهر ایرانی نزدیک بوده اند. یکی از تصاویر پیچیده تر و مسئله برانگیزتر در هنر تجسمی مهرپرستی مجسمه ای است با سر شیر که ماری بر بدن او پیچیده است. از این تصویر با تغییرات و دگرگونیهای بسیار به تعداد زیاد پیدا شده است، اما در تمام انواع آن کتیبه و نوشته ای دیده نمی شود که این خود باز بر پیچیدگی کار تشخیص آن می افزاید. معمولاً آن را نمایی از خدای زمان آیون / کروئوس (Aion / Chronos) می پندارند. اما این تعبیر سنتی را برخی از محققان مردود شمرده اند؛ اینان می گویند خدائی که سر شیر دارد قاعدتاً باید اهریمن پیشوای بدی در دین زردشتی متأخر باشد، یا آیون و در عین حال اهریمن است که تا اندازه معینی از جنبه های دیوی او کاسته شده است. از آنجا که مهر به گمان پلوتارک^۷ میانجی (Mesitēs) بین نور و ظلمت، خیر و شر بوده و تا اندازه ای با اهریمن ارتباط داشته نمایش ملموس و مفهوم این خدا را در عبادتگاه نمی توان کاملاً بی جا دانست، به خصوص که طبق همه ظواهر موجود این تندیسها همواره در خارج از محرابها پیدا

شده‌اند. مقاصد دفع شر و چشم‌زخم نیز احتمالاً در این مورد سهمی به‌عهده داشته است، به‌خصوص که مثالهایی چند در مورد اتحاف و اهدای به‌محراب که بدون شک به‌همین منظور بوده است در دست است: Deo Arimanio یعنی «تقدیم به‌خدای اریمانیوس (اهریمن)». اریمانیوس می‌تواند وجه لاتینی‌شده اسم ایریامن Airyaman، خدای محافظ اَمت آریائی در روزگار باستان هم باشد (رجوع شود به مقاله کلیما در مجله آرشيو اوریتالنی، جلد ۳۲، ۱۹۶۴، صفحه ۶۰۱ به‌بعد)، اما هرگاه این توضیح درست باشد باز تعبیری که از خدای با سر شیر به‌عمل آمد غیرممکن به‌نظر نمی‌آید.

در افسانه رایج در این آئین که از تفحص در نقوش برجسته مکشوف و مجسمه‌ها می‌توان به خطوط اصلی آن پی برد میترا سنگزاد (Saxigenus) یعنی کسی است که در غار از دل سنگ به دنیا آمده (و این صورتی دیگر از اسطوره مهر اوستائی است که همچون سپیده‌دم از پس کوهها برمی‌آید)، آفریننده‌ای که آب را از میان تخت‌سنگها می‌جوشاند و گاو نر را می‌کشد تا از آن رهگذر زندگی شکوفا شود، صیادی که تمام عوامل ایجادکننده فساد را نابود می‌کند و سرانجام یار و یاور خورشید شمرده شده است. آن عنصر اصلی که از لحاظ مذهب دارای کمال اهمیت است همان کشتن گاو نر است که مهر از آن طریق به‌عنوان فرمانروای زندگی و کلیه نیروهای زندگی‌بخش جلوه‌گر می‌شود. این حادثه بزرگ ایجادکننده و برانگیزنده معجز سترگی است: از این جانور در حال مرگ نطفه و از دم او بذر غلات بیرون می‌ریزد و حیات واقعی را بارور می‌کند. پس زندگی از مرگ حاصل می‌شود. در معبد مهر (میترائیوم طبق نقشه کلیسای قدیم Basilika ساخته می‌شده و درون آن به‌شکل غار است و در بعضی موارد آنرا زیر زمین تعبیه کرده‌اند) نمایش تصویری صحنه کشتن گاو به‌صورت مسلم و بدیهی مرکز و کانون آن به‌شمار می‌رفته است. میترای جنگاور در اغلب موارد بین دو تن مشعل به‌دست (Dadophóri) موسوم به کاوتس و کاوتپاتس^۸ قرار گرفته و اینها نامهایی هستند بدون تردید ایرانی — که هنوز هویت آنها به‌صورت قطعی معلوم نشده است. مشعل کاوتس رو به‌بالاست (خورشید برآینده) و مشعل کاوتپاتس رو به‌پائین است (خورشید فرورونده)، در حالی که میترا باز به‌مثابه Mesitēs (میانجی) حاکی از خورشیدی است در بین این دو حالت که خود واحدی است از سه‌گونگی، چه این گروه خود «میترای سه‌گانه»^۹ کاملی است (دیونیزوس آرئوپاژیتای دروغین [قرن چهارم]، ماکسیموس کنفسور^{۱۰} [قرن هفتم]). در کتیبه‌های محرابی از لانچستر کاوتپاتس حتی همچون لقب میترا به‌کار رفته است — طبق مفهوم‌ترین تأویلی که از آن متن در دست است به‌این صورت: Deo M(itrae) C(auto) P(ati) S(oli) I(nvicto) میترا به‌صورت کشنده گاو نر در نقشی ظاهر می‌شود که در دین زردشت به‌عهده اهریمن بوده است (در نوشته‌های پهلوی که بعدها [در قرن نهم میلادی / سوم هجری] به رشته تحریر کشیده شده اما مطالب آنها از اعصار کهن گرفته شده است). ولی هرمان لومل، ایران‌شناس و مورخ ادیان، در مقاله مشهوری (میترا و قربانی گاو نر)^{۱۱} ثابت کرد که آئین

میترا در این مورد یکی از تصورات خیلی قدیمی را که احتمالاً هندوایرانی بوده و در نوشته‌های ودائی هندی (یجور ودا (Yajur Veda) محفوظ مانده عرضه داشته، اما زردشت که هر نوع قربانی را به منزلهٔ هتک حرمت از زندگی تلقی می‌کرده چنین اقدامی را مردود شمرده است. از آنجا که طبق پنداری قدیمی هر نوع زندگی از ماه ناشی می‌شود و ماه نطقهٔ گاو نر را به خود می‌پذیرد و آن را پاک و منزّه می‌کند و نیروهای زندگی بخش را دوباره به زمین بازمی‌گرداند و باز از آن جهت که این فکر در اصول آئین مهرپرستی ظاهر می‌شود نمی‌توان در بنیان استدلال لومل به سهولت خلافی مشاهده کرد (نقش برجسته‌های ناحیهٔ ساحل دانوب با تصویر گاو نر به عنوان چهارپائی وابسته به ماه و اخباری مندرج در:

(قرن سوم] [Porphyrius' De Antro Nympharum 18

مردانی که پس از ادای سوگند (Sacramentum) در حلقهٔ برادری پذیرفته می‌شدند و برادر (Fratres) به شمار می‌آمدند - زنان از مشارکت در آئین مهر ممنوع بودند -، از این زندگی که در گردش جاویدان خود در اثر مرگ دوباره به وجود می‌آمد سهمی می‌گرفتند. از داوطلبان، رعایت اصول اخلاقی دشواری خواسته می‌شد و تشریفات پذیرش در حلقهٔ برادری که جویندگان باید بدان تن درمی‌دادند نه تنها مشتمل بر وقوف به نظریه‌های ستاره‌شناسی و علم هیأت بود که تا این اندازه سهم بزرگی در آئین میترا دارد بلکه آزمایشهایی را هم شامل می‌شد (آزمون آتش، مرگ و رستاخیز تشریفات) که تا اندازهٔ زیادی باعث ایجاد درد جسمی نیز می‌گردید. پذیرش کامل در هفت درجه انجام می‌گرفت که هیرونوموس، یکی از آباء کلیسا (قرن چهارم - پنجم) در مکتوب صد و هفتم خود (Ad Laetam) از آن یاد می‌کند: درجات پائین تر «کلاخ» (Corax)، «همسر» (Nymphus)، «سرباز» (Miles) و درجات برتر «شیر» (Leo)، «پارسی» (Perses)، «پیک خورشید» (Heliodromus) و «پدر» (Pater) بود. در عوض کریفی (Chryfi) ^{۱۲}، که آن را درجه‌ای از مراحل تشرف پنداشته‌اند، در واقع عنوانی است برای داوطلبان تشرف که هنوز به افتخار عضویت رسمی نایل نیامده‌اند. دربارهٔ مناسک واقعی این آئین اخبار موجود اندک، پراکنده و ناقص است، اما شواهد مطمئنی در دست است که غسل و ضیافت آئینی در کار بوده است و ضیافت خود تقلید مکرری از ضیافت میترا پس از کشتن گاو نر به شمار می‌آید.

آئین میترا که از کمال توجه و لطف دربار قیصران (فی‌المثل کومودوس، کاراکالا، دیوکلسین) برخوردار بود در رقابت با مسیحیت تاب نیاورد و از پای درآمد. با حکم تحریمی که از جانب ثئودوزیوس (فرمانهای ۳۹۱ و ۳۹۲) در مورد انواع آئینهای الحادی صادر شد دیگر سرنوشت آئین میترا به نقطهٔ پایان خود رسید، هر چند که گروه‌های پراکنده‌ای در حاشیهٔ امپراتوری تا قرن پنجم میلادی نیز پایداری ورزیدند.

1- Jes Peter Asmussen, Der Mithraskult

این مقاله را آسموسن در جلد سوم تاریخ ادیان با خصوصیات زیر منتشر کرده است:
Handbuch Der Religionsgeschichte. Herausgegeben von J. P. Asmussen und J. Laessoe, Bd
3, Goettingen, 1975.

۲- در مورد Deus Sol Invictus رجوع شود به:

Gaston H. Halsberghe, The Cult of Sol Invictus, Leiden, 1972.

۳- مثلاً: Origenes, Contra Celsum 6/22.

۴- در منابع اسلامی: ابن دیصان. م.

5- Magophónia

۶- Daivadana یعنی جای دیوان و دیوان در اینجا در مفهوم خدایان هندوایرانی است. م.

7- De Iside et Osiride 46.

8- Cautes, Cautopates

9- Triplásios Mithras

10- Pseudo-Dionysius Areopagita, Maximus Confessor

11- Mithra und das Stieropfer, Paideuma 3, 1949, S. 207-218.

۱۲- کریفی ظاهراً معنای محصلی ندارد و در آن باره دانشمندان با هم اختلاف نظر دارند. برای توضیح بیشتر می‌توان به کتاب آئین میترا تألیف ورمازرن به ترجمه بزرگ نادرزاد (چاپ اول)، صفحه ۹۰ به بعد رجوع کرد. م.

شعبه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سررسید نامه سال ۱۳۷۳ خورشیدی
همراه با متن کامل خطبه‌ها، فرمان‌ها و نامه‌های
حضرت علی (ع) در نهج البلاغه
و سررسیدهای دیگر... در آگهی بعد!

طرح و نشر کارنگ، تلفن: ۶۴۰۶۱۸۳